

## سندی نویافته از دهخدا

### علی طبری

در میان مجموعه اسناد اهدایی دکتر حسن ره‌آورد که در یک سال گذشته به کتابخانه مجلس شورای اسلامی اهدا گردید، مجموعه‌ای از زندگی‌خودنگاشت تعدادی از مشاهیر و رجال سیاسی تاریخ معاصر به چشم می‌خورد که به همت ریاست کتابخانه، جناب آقای دکتر جعفریان، در مجموعه‌ای نفیس به زیور طبع آراسته شد. در میان این اوراق ارزشمند برگی نیز از علی‌اکبر دهخدا به چشم می‌خورد که در این مجال نگاهی گذرا به آن می‌اندازیم.

علامه دهخدا طبق اظهار خود به سال ۱۳۰۴ق (۱۲۵۸خ) در تهران متولد شد. پدرش، خان‌باباخان قزوینی بود. وی در بیان کوتاهی از تاریخچه تحصیلات خود می‌نگارد:



«پیش طلبه‌های قدیم صرف، نحو، فقه، اصول، منطق، کلام، فلسفه، معانی، بیان و غیره. به استثنای سه ماه آخر دوره مدرسه سیاسی، درس‌های آزاد در دو سفر فرنگی و پنجاه سال مطالعه.»<sup>۱</sup> با این توصیف، دهخدا تمام علم مقدماتی آن روز را گذرانده است و با اشاره سفر به اروپا به نحوی بیان می‌دارد که دروس نوین غرب را نیز آموخته و گویا در همین سفرها زبان فرانسه را نیز فراگرفته است. وی در بیان خلاصه‌ای از مشاغل آزاد و دولتی خود چنین نگاشسته است:

«نیابت سفارت دول بالکان، وکالت مجلس شورای ملی در دوره

۱. مجموعه اسناد اهدایی دکتر حسن ره‌آورد، مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

دویم، ریاست کابینه وزارت معارف، ریاست تفتیش وزارت عدلیه، ریاست مدرسه سیاسی و حقوق.<sup>۱</sup> نکته حائز اهمیت اینکه دهخدا این خودنگاشت را در سال‌های پایانی عمر خود نوشته است و به مناصب سیاسی اشاره دارد که از سوی محققین و پژوهشگران کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ نکته‌ای که در روایات زندگی او یا بدان کم‌توجه شده است و یا اینکه با بی‌توجهی از کنار سوابق سیاسی وی گذشته‌اند. در واقع، کمتر کسی تاکنون به زندگی سیاسی علامه دهخدا اعتنا داشته است. با آنکه کار سترگ لغتنامه به گفته وی، بیش از پنجاه سال از عمر ۷۷ ساله‌اش را دربر گرفت، در دوره مشروطیت و عدالت‌خواهی ایرانیان، وی در روزنامه صوراسرافیل برای جبهه مشروطیت به حق سنگ تمام گذارد و جان خود را بارها به خطر انداخت و در زمره آزادی‌خواهان بنام جای گرفت، تا آنکه با رفتن به سفارت انگلیس جان خود را نجات داد. برخی از او ایراد می‌گیرند که چرا به سفارت انگلیس پناهنده شد. اما این واقعیت را مدنظر ندارند که خیلی از یاران او در همان روزها به طرز فجیعی توسط محمدعلی شاه کشته شدند. وانگهی بعدها چه کسی لغتنامه را برای ما به ارمغان می‌آورد و چه کسی «پدر لغت فارسی» نام می‌گرفت.

دهخدا در فرازی دیگر از زندگی سیاسی خود در دوره دوم مجلس شورای ملی از دو حوزه انتخابیه تهران و کرمان انتخاب گردید و در نهایت به عنوان نماینده تهران شناخته شد. اما دهخدا در مجلس دوم برخلاف تصور عمومی و انتظاری که از او می‌رفت، در زمره محافظه‌کاران مجلس (اعتدالیون) جای گرفت. این بدان سبب است که با توجه به گذشته و سابقه قلم دهخدا در جریده صوراسرافیل انتظار می‌رفت در جناح دموکرات و رادیکال مجلس جای گیرد، همان جناح و یا فراکسیونی که بیشتر دوستان دهخدا در آن جبهه بودند. اما قلمداد محافظه‌کاری از اعتدالیون با محافظه‌کاری که امروزه برای احزاب اطلاق می‌شود، متمایز است. زیرا در آن سال، دو حزب سیاسی کشور به نحوی در جبهه اصلاحات و قانونمندان کشور و ایجاد پایه‌های دموکراسی گام برمی‌داشتند، ولی دموکرات‌ها قدری تندروی را چاشنی کار خود نمودند و حساسیت برخی طبقات اجتماعی نظیر روحانیان - که از طبقه‌های مؤثر در انقلاب مشروطیت بودند - را برانگیختند. اما اعتدالیون به اصلاحات تدریجی علاقمند بودند.

درباره این تصمیم دهخدا که به عضویت فراکسیون اعتدالیون مجلس دوم درآمد، هنوز دلایل مستند یا روایتی در دست نیست، اما ردپای این موضوع را باید از وقایع سیاسی و اجتماعی آن دوره جست، به ویژه خطراتی که مجلس دوم را تهدید می‌نمود و همچنین، سرنوشت بدفترجام مجلس اول که در تاریخ ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ به توپ بسته و تعطیل شد، نیز حکایت از برخی تندروی‌های نمایندگان و به ویژه حامیان مشروطیت در خارج از مجلس دارد، کسانی همچون دهخدا و حتی ستارخان و باقرخان از رهبران مجاهدین مشروطه که در رأس آنها برخی مجتهدان مشروطه‌خواه بودند، از این گروه به شمار می‌آیند. اما باید پذیرفت که مشکلات مجلس دوم که پیچیده‌تر و بسیار بیشتر از مجلس اول بود که در نتیجه، برخی نمایندگان واقع‌نگر را به نوعی تعامل و حرکت تدریجی به سوی قانونگذاری و جامه عمل پوشیدن به خواست عمومی مردم سوق می‌داد.

۱. همان.

هر چند برای نگارنده این سطور همیشه جای این سؤال است که با موقعیتی که دهخدا داشت و اینکه می‌توانست در دوره‌های بعد نیز به راحتی به وکالت مجلس انتخاب شود، چرا دیگر هرگز به نمایندگی مجلس فکر نکرد؟ طبق اظهار دهخدا، وی از چهارده سالگی به فیش‌برداری *لغتنامه* مبادرت ورزیده بود و در صدایی که از وی باقی است، بیان می‌دارد که:

«بیش از هر کار بایستی که لغت را نوشت و لغت را تا ما هنوز ننوشته بودیم آنچه عبارت بود از یک مشت لغات که غریب الاستعمال بود.»<sup>۱</sup>

در اغلب مطبوعات و نیز مصاحبه دهخدا پیرامون *لغتنامه* این اندیشه همیشه وجود داشته است که وی آن را اولویت نخست فعالیت خود می‌دانست. ناگفته پیداست که نیاز زبان فارسی به وجود *لغتنامه* اولویت نخست او بود که البته بی‌گمان آگاهی‌دادن به هموطنان از دیگر مشغولیت‌های فکری دهخدا بود. او می‌دانست نخستین گام برای پیشرفت و ترقی یک ملت آگاهی‌دادن از زبان مادری است که بدان سخن می‌گویند. مسیری که او انتخاب کرده بود در هر حکومتی خواه مستبد مانند حکومت رضا شاه و یا منتخب مردمی نظیر دوره دکتر مصدق مورد تشویق سیاست‌پویان قرار می‌گرفت؛ آنچه که در تمام سال‌های نگارش *لغتنامه* روی داد.

دهخدا در ادامه این خودنگاشت، آثار خود اعم از منتشرشده و منتشرنشده را معرفی کرده است. این آثار که به سه دسته مثنوی، منظوم و ترجمه تقسیم شده عبارت است از: آثار مثنوی: ۱- *امثال و حکم* در چهار مجلد، ۲- *لغتنامه فارسی* تا ۳۵۸ صفحه؛ آثار منظوم: مقداری اشعار متفرقه از مثنوی و غزل و جز آن؛ ترجمه آثار دیگران: ترجمه *اسری دل‌لوی منتسکیو* سه جلد اول و ترجمه *علل عظمت و انحطاط روم*<sup>۲</sup> و همچنین، ترجمه روح‌القوانین منتسکیو، فرهنگ فرانسه به فارسی.

دهخدا در بخش پایانی توضیح خود زیر عنوان «احیا و تصحیح و طبع آثار گذشتگان» و در بخش آثار مثنوی می‌نگارد: «صوراسرافیل مقاله اول و آخر هر نمره به استثنای نمره بیستم (۲۰) که هر دو مقاله به قلم مرحوم میرزا جهانگیر خان است و آن سی و دو نمره است در تهران و سه نمره در ایوردن (سوئیس). سروش چهارده نمره است در استانبول. چند مقاله در آفتاب روزنامه نیم‌رسمی زمان ناصرالملک. مقالات فکاهی در روزنامه ایران کنونی. چند مقاله در روزنامه شورای مرحوم ناصرالاسلام.»<sup>۳</sup>

اما در مقابل این ستون و در سمت چپ زیر عنوان آثار منظوم، دهخدا می‌نویسد:

«تصحیح منوچهری، تصحیح ابن‌یمین، تصحیح فرخی. تصحیح عنصری، تصحیح ویس و ورامین، تصحیح یوسف زلیخای منسوب به فردوسی و غیره و تصحیح مسعود سلمان؛ هیچ‌یک چاپ نشده. تصحیح و تعلیقات فرهنگ اسدی.»<sup>۴</sup>

اما آثار دیگری از دهخدا نیز در دست می‌باشد که در این سند، وی ذکری از آنها به میان نیاورده است که

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

